

ایزد هند باستان - اگنی

در هند باستان خدای آتش اگنی از ریشه‌ی سنسکریت «ا» یعنی چابک / تیزهوش، لاتیسی ایگنیس و لیتوانیایی اوگنیس است. واژه‌ی اکلگنیش به کار رفته در یک متن «جیتی» (Hittite) یافت شده در بغازکوی که معروف ایزد ویرانی و نابودی است، با این واژه مربوط است. گرچه ریشه‌های آیتی و اساتیری آن در منابع ایرلندی، رومی و ایرانی بازتاب دارد، اما گستردگی ویژه‌ی این خدا، به عنوان خدای آتش مرمون گرایش‌های آیینی موبدانه و ریاضت‌کشی‌های شدید زمینی هندی است. اهمیت و بزرگداشت آتش در اساتیر هند و اروپایی به چشم می‌خورد؛ از جمله اگنی در وداها - آذر در ایران - هسپا در یونان - وستا در روم و اوگنیس سزوتنا در لیتوانی ادامه‌ی روند ستایش و تکویم آتش مقدسی است که در میان اقوام نخستین هندواروپایی وجود داشته و نماد اتحاد و همبستگی هر قوم به‌شمار می‌رفته است.

نیایش آتش یکی از کهن‌ترین و مقدس‌ترین نموده‌های عبادی هندو است. از این رو، اگنی در هر سه سطح جهان هستی و دایمی (زمین - هوا (جو) - آسمان) وجود دارد. او یکی از خدایان اصلی وداست و حدود دو‌یست سرود خطاب به اوست و پس از ایندرا، دومین خدای با اهمیت در اساتیر هند باستان است. اگنی به معنای آتش است، اگر در جایی یکی از گونه‌های آتش نباشد، اگنی رانمی‌توان در آن جا یافت. تنوع وجود آتش در شکل‌های گوناگون از جمله آتش افروخته - آتش سوزان و آتش رو به خاموشی به چشم می‌خورد. هم‌چنین جلوه‌های آتش در غورشید - آذرخش و شعله‌ی آتش وجود دارند. نمی‌توان به‌طور مطلق هویت اگنی را تعیین کرد. در ابتدا باید به این پرسش پاسخ داد که رابطه اگنی و آتش چگونه است، آیا هر دو یکی هستند یا آتش نمود جسمانی اگنی است؟ جایگاه خانگی اگنی از میان سایر جایگاه‌ها بیش‌تر مورد علاقه‌ی اگنی است؟ اگر برای اگنی روح قابل شده و آن را جدا از عنصر آتش در نظر بگیریم مانند آذر ایرانی، می‌توانیم به این باور برسیم که تجلی این دو (اگنی و آذر) از آغاز در اجاق خانها بوده‌است. آتشی که همیشه در خانه‌های مردم برپا بوده و گرمی بخش کانون خانواده‌ها بوده‌است

طبقه بندی آتش

سلطه و دایمی آتش در مفهوم آیینی آن زمانی به وقوع پیوست که آتش رسمی گسترش یافته و به صورت یک دستگاه ارتباطی در آمد که از راه دین مردان توانستند برای به وجود آوردن و کنترل سه جانبه‌ی کیهان آتش‌ها را در آتشدان‌ها با دست، درست کنند: ۱- اگنی به عنوان آتش آسمانی یا خورشید ساکن در آتشدان غربی آهونیاست. این آتش به وایشونر مربوط می‌شود. ۲- اگنی به عنوان آتش جوی یا ماه ساکن در آتشدان جنوبی دکشیناگنی با اجداد پنیارس. این آتش برهمنی/نارشمما مربوط می‌شود. ۳- اگنی به عنوان آتش زمینی یا خانگی ساکن در آتشدان غربی گارهپتیا در کنار انسان‌هاست. بر این اساس سیستم تازه‌ی تقسیم‌بندی نیز پدیدار شد: ۱- آتش آسمانی یا پیشکشی (نماینده روحانی *br: Brahmana*) ۲- آتش جوی یا محافظ (نماینده جنگجو *ks: Kriya*) ۳- آتش زمینی یا مولد (نماینده بازرگان *vaisy:*)

مردم هنگام افروختن آتش برای مقاصد گوناگون باید آن را در جهت مناسب قرار دهند^(۱). برای نمونه، آتش قربانی برای خدایان باید به سمت شرق باشد و آتش قربانی برای ارواح باید به سمت جنوب و آتش آشپزی همیشه باید به سوی غرب باشد. آتش پارسی نیز به سه مقوله تقسیم می‌شد: ۱- آتش ورهران یا بهرام^(۲) که عالی‌ترین درجه‌ی آتش و مقدس‌ترین آتش‌هاست. ۲- آتش آدران که آتش روستایی است ۳- آتش دادگاه که آتش خانگی است.

طبقه‌بندی مشابهی در مورد آتش‌های اساتیری سه گانه وجود دارد: ۱- آتش فرنیغ نماینده طبقه موبدان ۲- آتش گشنسب نماینده طبقه جنگاوران ۳- آتش برزین مهر نماینده طبقه کشاورزان. در مورد پیدایش این آتش‌ها چندین استوره و افسانه وجود دارد، براساس پدیده‌های طبیعی، معروف به «آتش قدیس المور». این‌گونه گفته شده است که در زمان پادشاهی تهمورث، هنگام مهاجرت انسان بر پشت گاو سرسوک نوفان آتش‌های مقدسی را که بر پشت گاو بود، به درون آب پرتاب کرده و به جای آن سه آتش با درخشش پدیدار شدند و دریا را روشن کردند^(۳).

۱- ای آتشی، خدایان را بیاور و آن‌ها را بر سه محل نشان... ریگ‌وهدا، مانندلای اول سرود ۱۵/۴

۲- نه‌ها آتش بهرام وجود دارد ۴ آتش در بهمنی ۲ آتش در سرورت ۱ در نوسری دگهن نربن در او درده است.

۳- ندھنر، فصل ۱۸

نقش اگنی در آیین‌های گوناگون: به‌عنوان مظهری از کانون تمدن، آتش آیینی، نقش ویژه‌ای در گسترش آیین‌های خانگی (grhya) به‌ویژه آیین ازدواج (vivaha) و هم‌چنین مراسم تدفین (anisyesti) ایفا می‌کرد. پیوند ازدواج پس از هفت‌بار گردش ساعت‌وار به‌دور آتش انجام می‌گرفت و همسر بودن واقعی زمانی معنا می‌یافت که تداوم حضور آتش آشپزی، ثبات خانواده را حفظ می‌کرد. هم‌چنین گفته می‌شود پس از مرگ و سوزاندن جسم^(۱)، اگنی مرده را به‌سوی نیاکانتش به بهشت برین، هدایت و به آنان ملحق کرده‌است و در آنجا او با یمه (راهما و پادشاه مردگان) و ورونه دیدار می‌کرد. این کار، هدایت به‌سوی جایگاه روح خوانده شده‌است. اگنی در واقع تنها جسم را سوزانده و روح مرده، یعنی بخش زاده‌نشده‌ی بی‌نقص و آراسته و درخشان با تنی نیک، ظاهر می‌شد. افزون براین، وجود آتش حاکی از تسلط بشر بر روشنایی و گرما بود و اگنی به‌عنوان خورشید، نقش تعیین‌کننده‌ای در گردش زمان دارا بود و در حفاظت از مرزهای ملی نیز اگنی نقش موثری در برقراری صلح و حضور فعالی در جامعه‌ی تمدن‌گرا داشت^(۲). از آن‌جا که اگنی خدایی حکم‌فرما بر کلام به شمار می‌رفت بنابراین برای استحکام پیمان و سوگند نیز منظور می‌شد. در مه‌بهاراته، سوسرما و برادرانش به آتش سوگند می‌خورند تا بتوانند یا آرجونا را شکست دهند یا به‌دست او بمیرند. این اتحاد آن‌ها در سوگند موجب می‌شود به آن‌ها لقب سم ستپکا به‌عنوان یک خانواده داده شود. این سنت ناشی از این باور است که اگنی یا آتش از پاک‌ترین عناصر طبیعت بوده و بسیار مقدس است.

هم‌چنین انتخاب اگنی به‌عنوان گواه یک سنت دیرینه است. در والمیکی رامایانه، راما و سوگریوا سوگند می‌خورند که به یک‌دیگر یاری رسانند و برای تضمین پیمان خود سه بار به دور آتش می‌چرخند. مورد دیگر، تحمل مجرم شعله‌های آتش برای اثبات وفاداری یا پاکدامنی بوده‌است که بارزترین نمونه‌ی آن در رامایانه است که سیتا پس از رهایی از روانه در لانکا وادار می‌شود وفاداری خود را به راما به‌وسیله‌ی وارد شدن به شعله‌های آتش در حضور جمع ثابت کند. سیتا در کنار آتش زانو زده و می‌گوید: ای اگنی، ای شاهد جهان از من روی مگردان. سپس خود را در میان شعله‌های آتش افکنده و در میان هیاهوی ناظران با سرافرازی از آن به سلامت بیرون می‌آید. مواردی مشابه این در ایران باستان وجود دارد. معروف‌ترین آن‌ها آزمون سیاوش،

۱- هندپان دوران ودایی البته ذاه‌قاهی به انواع دیگر تدفین غیر از مرده‌سوزی نیز توجه داشته‌اند.

۲- اگنی در مقابل بربرها - ای اگنی، تو خداوندی، تو همه‌ی مردم را در همه‌جا بکسان می‌بینی، پس مادر

جنگ‌ها تو را می‌خوانیم. (ریگ‌دها، ماندلا، هشتم ۲۱-۲۳)

شاهزاده‌ی دل‌آور ایرانی است که به تاخت از باریکه میان دو آتش‌گذر می‌کند و با آن‌که شعله‌های آتش وی را در بر می‌گیرند، به سبب بی‌گناهی سالم از میان آتش بیرون می‌آید.

افزون بر این، انواع گوناگون آزمایش با آتش را برای اثبات بی‌گناهی متهمان در عهد ایران باستان به کار می‌بردند. از جمله مرسوم بود هنگام سرگند خوردن شخص جامی از گوگرد حل شده را بنوشد (در زبان انگلیسی به آن سنگ سوزان می‌گویند). اصطلاح بسیار رایج سرگند خوردن، در زبان فارسی، برگرفته از همین مطلب است و معنای سرگند، همان محلول گوگرد است. مراد از آشامیدن، همان آزمون با آتش است زیرا باور همگان بر این بود که اگر شاهد، سرگند دروغ بخورد گوگرد به آرامی او را مانند فلز مذاب از درون خواهد سوزاند.

در آثار دوره میانه و گاهی در اوستا نیز به آتش به‌عنوان ابزار آزمون‌های دشوار اشاره شده‌است. در بند ۳ یشت ۱۲ اهورامزدا فرمان آماده‌سازی یک وره (آزمون دشوار) را می‌دهد که در آن باید از آتش، برسمن، کره و شیرهی گیاهان استفاده می‌شد. در شایست و نشایست، شش گونه آزمون دشوار داغ (با آتش - فلز مذاب - آب جوش...) و تعدادی آزمون سرد (سم و...) مطرح می‌شود. اگرچه آتش قربانی ودایی در هندویسم جدید محور شده است اما اگنی همراهِ با آتش قربانی هنوز به عنوان نمونه‌ی آیینی در هر نوع ازدواج جدید هندو حاضر است. او اگنی سکشی یا شاهد ازدواج است و حافظ حرمت و تقدس پیوند زناشویی می‌شود. در نالوده‌میتی روایت نقلی حماسی چهار محافظ جهان عبارتند از: ایندره (شاه خدایان) - اگنی (خدای آتش) - ورونه (خدای آب‌ها) و یمه (داور مردگان). شاید جایگزینی ورونه به‌عنوان خدای برتر به واسطه‌ی تأثیر پرستش آتش اگنی باشد که به‌رسمیله‌ی قبایل ناشناخته به هندوستان وارد شده‌است.

خدایان ودایی: طبقه‌بندی و شخصیت کلی، نامحدودی طرح و فقدان تقسیم‌پذیری شخصیت خدایان ودایی را شکل می‌دهد. در حقیقت این خدایان به پدیده‌های فیزیکی که نماینده‌ی آن هستند بسیار نزدیکند. یاشکا مفسر ودایی باستان درباره‌ی طبیعت خدایان به این نکته اشاره می‌کند که آنچه از خدایان دیده شده‌است مانند خورشید - زمین و دیگر موارد شبه انسانی نیست. خدایان ودایی شخصیت‌هایی را آرایه می‌دهند که ویژگی‌های مشترکی با دیگر خدایان دارند و علاوه بر آن هر خدایی دارای مشخصه‌ی اصلی خود است، به‌عنوان نمونه، پگاه - خورشید و آتش، دارای ویژگی‌های مشترک نورانی بودن - از بین برنده‌ی تاریکی و پیدایش در سبیده‌دم - هستند و هر یک ویژگی منحصر به فرد خود را نیز دارا می‌باشند. انجام کارهای مهمی به خدایان نسبت داده می‌شود از جمله آفرینش جهان - قرار دادن خورشید در آسمان و تعیین مسیر آن - گسترده‌ی زمین و تسلط بر همه موجودات. گاهی کاربرهای مشترک خدایان موجب

می‌شود که به هم نزدیک شوند، به عنوان نمونه، اگنی که در ابتدا خدای زمین است، دیوهای تاریکی را با نورش از بین می‌برد. در حالی که ایندیره که خدای آسمانی و توفان تندری است، آن‌ها را با آذرخش نابود می‌کند. از این عمل نتیجه می‌گیریم که ویژگی یک خدا به خدای دیگر منتقل می‌شود حتی زمانی که آن خدا به تنهایی پدید آید. به این ترتیب اگنی سومه نوش - کشنده ورتره - پیروز آب‌ها - خورشید - سپیده‌دمان و منسوب به همه‌ی ویژگی‌هایی است که پیش‌تر به ایندیره نسبت داده شده‌بود. اختصاص یافتن ویژگی‌های چند خدا به یک خدا در حقیقت در این سرود ریگ‌ودا مشهود است: تو در تولدت - ای اگنی ورونه هستی هنگامی افزوخته می‌شوی تو میترا می‌شوی در تو ای پسر قدرت همه خدایان جمعند. تو برای پرستش گران ایندیره هستی.

سرودهای ریگ‌ودا به تقرب همگی در ستایش خدایان و موارد دیگر از اهمیت کم‌تری برخوردارند. خدایان در ریگ‌ودا به عنوان شخصیت‌هایی دیده می‌شوند که حاکم بر نیروهای گوناگون یا تغییردهنده‌ی ماهیت آن‌ها هستند و از این رو شخصیت‌های روشن - مشخص و منظمی هم‌چون خدایان یونانی یا خدایان آثار استوره‌ای هند متاخر یا پوران‌ها ندارند. با توجه به سرودهای اختصاص یافته به خدایان در ریگ‌ودا پنج دسته خدا تمیز داده می‌شود: ۱- ایندیره - اگنی - سومه ۲- اشوین - ماروت - ورونه ۳- اوشس - سوتیر - برهسپتی - سوریه - پوسان ۴- وایو - دیاوه - پرتیبری - ویشنو - رودره ۵- یمه - پرجنیه.

در پوران‌ها^(۱) خدایان شخصیت‌های خود را به عنوان نیروهای فرضی طبیعت از دست داده و تبدیل به شخصیت‌های واقعی شده‌اند همانند خدایان فانی که دارای حکایت‌های غم‌انگیز و مفرح خود نیز هستند. خدایان گاهی به عنوان عامل بیماری‌های گوناگون به‌شمار می‌روند، تکمن پسر ورونه ورم را ایجاد کرد و پرجنیه (خدای باران) به‌وجودآورنده بیماری اسهال بود و اگنی آورنده‌ی تب - درد - سرفه و سردرد بود. از نظر شکل ظاهری و فیزیکی خدایان، سایه مانندند و همه اعضای بدن انسان مانند سر و دست و پا و سینه و گردن و چشم و گوش و... به خدایان نسبت داده می‌شود. در مورد پرورش خدایان درباره بعضی از آن‌ها به‌گونه‌ای صحبت می‌شود که لباس بر تن دارند چنان‌که سپیده‌دم در لباس درخشان توصیف می‌شود. بعضی خدایان نیز مجهز به زره - سلاح و کلاهخود و نیزه هستند. ایندیره به‌طور منظم مسلح به‌سلاح است. به‌طور کلی خدایان در ارباب‌های نورانی توصیف می‌شوند و هر یک از آن‌ها به تقرب دارای یک ارباب است.

تعداد خدایان^(۱): در ائهره ودا^(۲) به‌طور مشترک از سی و سه خدا صحبت می‌شود. در ریگ‌ودا یک سوم از این خدایان در آسمان - یک سوم در آب‌ها قرار دارند. اما در ائهره ودا تعداد آن‌ها در آسمان و زمین و ابرها مشخص نمی‌شود. در ائهره ودا آشکارا بیان شده‌است که خدایان، فانی هستند. در ریگ‌ودا آمده‌است که فناپذیری به‌وسیله‌ی سوپتر به اگنی و ایندره و برجپتی بخشیده شده‌است و آن‌ها در اصل، فناپذیر نبوده‌اند. بر طبق یک تصویر متاخر گفته می‌شود ایندره به‌وسیله‌ی ریاضت بر آسمان غلبه کرده‌است. هم‌چنین گفته می‌شود خدایان به‌وسیله‌ی ریاضت‌کشی (tapas) و پرهیزگاری بر مرگ غلبه کرده و سپس به‌وسیله‌ی روهیتا فناپذیری را به‌دست آورده‌اند. در جای دیگری این‌گونه آمده‌است که خدایان با اجرای مراسم ویژه‌ای بر مرگ غلبه کرده‌اند. به‌هر جهت، خدایان ودایی در کل دارای ابعاد شخصیتی مثبت هستند به این معنا که همه درست‌کار و حافظ راستی هستند. هیچ‌یک از خدایان فریب‌کار و بدکردار نبوده و همگی نسبت به بدکاران با خشم رفتار می‌کنند.

ارتباط اگنی با خدایان دیگر: اگنی گاهی با عنوان خدایان دیگر شناخته می‌شود به‌ویژه با میترا و ورونه. او میتراست هنگامی که به‌سوی قربانی می‌رود و ورونه است در هنگام تولد و میتراست زمان افروخته شدن. اگنی سوپتر شده و هوا را عبور می‌دهد. ایندره می‌شود و آسمان را در میانه روشن می‌کند. او نژادهای جادوگران را شناخته و آن‌ها را از بین می‌برد اگرچه در نابودی دیوهای زمینی به‌طور مشترک با ایندره و هم‌چنین با پرهسپتی و اشوین و سومه همکاری است، اما این کار یعنی نابودی دیوهای زمینی به‌طور عمده تنها به اگنی اختصاص دارد. در حقیقت اگنی بیش‌تر از ایندره از بین‌برنده دیوها به‌شمار می‌رود. پس از ایندره و ورونه دو خدای بزرگ آیینی اگنی و سومه قرار دارند، این دو با توجه به سرودهایی که خطاب به آن‌هاست داوری می‌شوند زیرا سه پنجم سرودها به ستایش آن‌ها اختصاص دارد. در حقیقت سرودهای خطاب به اگنی و ایندره همیشه در ابتدای کتاب‌های خانوادگی قرار می‌گیرند درحالی‌که بیش‌تر سرودهای خطاب به سومه شامل یک کتاب کامل است. یک‌بار از ورونه به‌عنوان برادر اگنی نام برده شده و در جای

۱- به باور باشکا این خدایان محدود به سه دسته می‌شوند: ۱- خدایانی که منزل‌گامنان در زمین است. برینهری استهان ۲- خدایانی که مقام آنان در جو مدهیه استهانه یا در فضای میان زمین و آسمان است انتریکشا ۳- خدایانی که در آسمان جای دارند دیوس استهانه

۲- نام یکی از چهار ودا - ریگ‌ودا - سامه‌ودا - بجزور ودا - ائره ودا

دیگر ایندره برادر دوقلورش محسوب می‌شود. در واقع ایندره پیش‌تر از هر خدای دیگری با آگنی در ارتباط است و با دو استئای جزئی تنها خدایی است که آگنی با او یک الوهیت دوگانه تشکیل می‌دهد. در یک سرود کامل، آگنی با سومه یک زوج تشکیل می‌دهند.

در اریانیشادها^(۱): آگنی با جنبه‌های گوناگون نفوذکننده برهن منمخص شده‌است و در پوراناها به‌طور مشخص آگنی - پورانا، به‌عنوان خدای بلندپایه‌ای شناخته می‌شود. با این وجود در پیکرنگارهای معروف به‌ویژه در سنگ‌ها از نظر عبادی و اعتقادی آگنی در حاشیه قرار دارد. در مهابهاراتا^(۲): آگنی به‌علت افراط در خوردن نذورات، نیرویش تحلیل رفته و تمایل دارد که همه جنگل کهاندود را مصرف کند تا نیروی از دست‌رفته‌اش را باز یابد. ایندره او را از انجام دادن این کار باز داشت اما آگنی به‌یاری کریشنا و آلارجونا ایندره را شکست داد و به‌هدفش رسید. در ویشنو پورانا: او ایهی مانی نامیده می‌شود و پسر بزرگ برهماست. آگنی دارای همسری به‌نام سواها بوده که از او سه فرزند پسر داشت به‌نام‌های پاواکا - پاوامانا و سوچی. این پسران نیز چهل و پنج پسر داشتند که همگی با هم چهل و نه نفر می‌شدند و معرف چهل و نه آتش بودند که وایو پورانا در صدد متمایز کردن این آتش‌ها بود.

در هری ونسا: آگنی با لباس مشکی و همراه بادودی که علامت کلاه است توصیف شده و حامل نیزی شعله‌وری است. او در ارابه سرخ رنگی تولد یافته که اسب‌های قرمزی آن را می‌دانند و هفت باد، چرخ‌های آن هستند. او همراه قوچی است که گاهی سوار بر او به‌پیش می‌رود. در دوره‌ی برهما^(۳): ویژگی‌های مطلق آتش ریاضت درونی می‌شوند. یعنی گرمای شعله - گرمای عرق دین‌مرد - گرمای غذای طبخ‌شده همگی بخشی از گرمای بدن قربانی می‌شوند. آنچه در دوره‌ی برهما وجود داشت، تهیه کامل آتش آیینی بود که در سنت، ریاضت آتش باطنی می‌شود. به این معنا که قربانی از بیرون به باطن گرایش پیدا می‌کند. این کار به‌وسیله‌ی عمل ریاضت‌کشی یوگا^(۴) با مهارت انجام می‌پذیرد. مرتاض مر بلند، نخستین بار در ریگ‌ودا سوار

۱- نام عمومی رساله‌هایی است که درباره‌ی فلسفه‌ی وداها فراهم آمده‌است.

۲- نام رزم‌نامه‌ی بزرگ و مشهور

۳- دوره برهن‌مادوره فساد و تعصب شدید بود. رساله‌های سننور برهن‌م‌ها پس از وداها از نظر تاریخ

اساتیری، دوم هستند. در این رساله‌ها قربانی مهم‌ترین موضوع و محور عمده است.

۴- فنون و آداب مربوط به نجات و رستگاری - برای اطلاعات بیشتر - شابگان ۱۳۸۳، صی ۶۲۵-۷۲۷

بر باد و در حال نگه داشتن آتش دیده شد^(۱). اکنون مراض به طور کامل در اختیار اگنی است. او دارای اندیشه است و اعضای بدنش با آتش ارتقا یافته آن گونه که در بازوهایش آتش نیروی اقتدار و در شکم و کمرش آتش باروری است. باطنی گشتن مراسم عبادی و اعضای بدن انسان (مراض) جایگزین چیزهایی شد که در مراسم قربانی به کار می رفت. انسان شد معبد و عابد و معبود و آتش عبادت جسم و روح او بودند.

در برهمنها: ارتباط اگنی با پرچاپتی^(۲) است و تصویر مشترکی از اگنی - پرچاپتی به صورت یک موجود کیهانی در می آید که به سوی تجزیه شده اعضای بدنش پیش می رود. جست وجوهای گوناگون اگنی به عنوان نمونه پروازش در ریگ ودا منجر به ملاقات دو باره اگنی به عنوان قربانی کننده با کیهان در اگنی کایانا یا محراب آتش می گردد. در حقیقت اگنی اعضای پراکنده پرچاپتی را از نو بازسازی می کند و پیکر او را به هم پیوند می دهد.

در ششپته برهمنها: هم چنین اگنی به عنوان وایشونر یا آتش هضم کننده ی غذا ظاهر می شود و در دهان ماتهاواست که پادشاه ویدگها در شرق است. او بر اثر حرکت از دهان پادشاه به بیرون می جهد و وایشونر راهش را به سمت رودخانه سادانیرا می سوزاند. با این حرکت سریع و زودگذر پرستش برهمنی نشان داده می شود.

در کنار او پانیشادها: این گونه استنباط می شود که همه نیروهای خدایان از جمله اگنی (آتش) برای سوختن - وایو (باد) برای وزیدن وابسته به برهمن است. به وسیله ی برهمن^(۳) است که همه خدایان و نیز همه ی حسن های انسان توانایی کار کردن داشت. هنگامی که برهمنی در جنگی پیروز شد خدایان پیروزی برهمن را از قدرت و نیروی خود پنداشتند و از این رو دچار غرور و

۱- مونی اسب و آب (باد) را که درست وایو است در کنار خدایان می نازد... (مانندلای دهم، سرود ۵/۱۳۶)

مونی در میان فلک به پرواز می آید و همه ی چیزها را نورانی می کند... (مانندلای دهم، سرود ۲/۱۳۶)

۲- خدایی است دو جنسی که از ریاضت کشیددهای او پنج سوچرد به دنیا می آید: اگنی - وایو - آدیشا - کاندراماس و اونس هنگامی که آنها را آفرید از خستگی از هم دریده شد و چهار تن از فرزندانش ایدام های او را به یکدیگر پیوستند و سلامت را به او برگرداندند. به باور دکتر بهار، پرچاپتی همان زوون ایرانی است. برای اطلاع بیش تر بهار ۱۳۷۶، ص ۶۱-۱۶۰. در ریگ ودا پرچاپتی خدای آفرینش خطاب می شود: هیچ کس جز نوای

پرچاپتی وجود را به همه این موجودات نداده است. دندلای دهم ۱۰/۱۲۱

۳- برهمن: روح حقیقی در مذهب هندو

تکبر شدند. برهنه از این موضوع آگاه شد و خود را به آن‌ها آشکار کرد. او را نشناختند و حیرت کردند. اگنی را برای شناسایی او فرستادند. اگنی کوشید قدرت سوختن خود را به او نشان دهد اما نتوانست. سپس وایو نزد برهنه رفت تا قدرت وزیدن خود را به او بنمایاند، او نیز از این کار ناتوان ماند. سرانجام ایندروه را نزد او فرستادند اما برهنه ناپدید شد.

آیین قربانی و اگنی: نقش آیین قربانی در ادیان هند و اروپایی بسیار مهم و بنیادی است زیرا موجب نزدیکی انسان و خدایان شده و هم‌چنین اتحاد و یک‌پارچگی را میان افراد بشر ایجاد می‌کرد. انگیزه واقعی قربانی کردن، جلب رضایت خدایان بود تا به این وسیله آرزوهایشان برآورده شود. هم‌چنین قربانی کردن تضمین‌کننده نوعی فداکاری بود زیرا صاحب قربانی خود را از چیزی محروم کرده و آن را می‌بخشد. در ایران باستان قربانی کردن با عنوان میزد وجود داشت که شامل انواع نذرها برای ایزدان بود. هر قربانی با چهار نیت انجام می‌گرفت: کسب خشنودی ایزدان - برآوردن حاجات مادی - رفع نیاز معنوی صاحب قربانی و سودمندی برای اشته یا نظم. در مراسم قربانی، خدایان در محل قربانی حضور می‌یابند و عامل‌های طبیعت مانند آب - باد - راه - قربانی حرکت داده و علف‌ها همه محل قرار گرفتن آن هستند. پس از نذرهای اهداشده، سرودهایی خوانده می‌شوند و خدایان تجلیل می‌شدند تا برکت را بر روی زمین افزایش دهند. نقش اگنی در آیین قربانی: اگنی به‌عنوان واسطه میان خدایان و انسان‌ها و هم‌چنین اداره‌کننده مراسم قربانی است. او راه را به سوی خدایان ایجاد می‌کند که از آن راه پیش‌کشی‌های انسان‌ها را می‌فرستد. پس از خوش‌بو کردن نذورات و پیش‌کشی‌ها، آن‌ها را با حمایت خود به خدایان می‌رساند. خدایان روی علف‌های گسترده می‌نشینند تا این‌که اگنی قربانی را از سوی دیگر آسمان برایشان بیاورد. غذایی که در مراسم قربانی به خدایان پیش‌کش می‌شود عبارت از شیر (به‌شکل‌های گوناگون) کره - برنج - بره - بز - گوسفند - جو که البته این‌ها همان غذاهای مورد علاقه انسان‌هاست^(۱). در متنی این‌گونه توصیف می‌شود که اگنی در یک تکه چوب قرار گرفته چنان‌که گویی در یک روشنی خیره‌کننده می‌جهد. آنگاه قربانی‌کننده او را برداشته و روی چوب قرار می‌دهد. پس از آن دین‌مردان، کردی آب‌شده روی او می‌ریزند آنگاه او می‌جهد و مانند یک اسب شیهه می‌کشد. در ایران باستان به‌هنگام قربانی کردن یک تکه کوچکی از پیه شکمبه حیوان قربانی را روی آتش می‌گذاشته‌اند که این برای پیشکش کردن سهم آتش از یا حصه آتش

۱- غذای قربانی در ریگ‌دهای نخستین به‌عنوان زنی با دستان بر از کره نجم شده است. اما هم‌چنین به شکل یک گاو هم برده است که در نصابر دینی مورد خطاب واقع می‌شود: «بیا ای ایدا (آسمان بیکران) ای آدینی»

بوده است که در آیین کهن هندوان نیز وجود داشته است. البته گفته می شود منظور آن بوده که آتش با درخشش بیش تری فروزان شود. بعدها در هندوستان، کوهی آب شده مصرف می کردند. در ایران زوتر مرسوم همان پیه حیوان قربانی شده بوده است.

در ریگ ودا افروختن اگنی تاثیر سحرآمیزی بر طلوع خورشید دارد. چنانچه پیش از طلوع، قربانی انجام شود اگنی خورشید را به وجود می آورد در غیر این صورت طلوعی نخواهد بود. گفته می شود که اگنی مانند یک اسب، قربانی را به سوی خدایان حرکت می دهد و هم چنین مانند یک اسب برافروخته می شود تا خدایان را به سری مراسم قربانی بیاورد. او اسبی است که قربانی کنندگان در صدد ران کردن و هدایت او می باشند. اسب در فرهنگ آریایی ها مهم بود چرا که اسب ها ایزدهای جنگی آریایی ها را می کشیدند. هم چنین پس از توفیق در رام کردن آن، اسب پس از گاو موضوع معمول قربانی شد^(۱). از بُعد مذهبی در کتاب های مقدس ودایی، اسب ها حیواناتی برای مراسم قربانی نشان داده می شوند^(۲). در آیین قربانی، اگنی تنها یک دریافت کننده ی معمولی پیشکش یا ارایه دهنده ی نیست، بلکه او میانجی میان آسمان و زمین است. او با اهدای نذورات به خدایان موجب شادمانی و سرور آن ها می شود. خدایان را نزد قربانی می آورد و قربانی را نزد خدایان می برد. راه هایی که اگنی طی می کند هم به زمین و هم به خدایان منتهی می شود و این راه ها را به خوبی می شناسد. از این رو به سرعت در آسمان پرواز کرده و میان زمین و آسمان با میان انسان ها و خدایان حرکت می کند. او در حقیقت پیام آور انسان ها در نظر گرفته می شود اگرچه در یک متن جدید آمده است که اگنی پیام آور خدایان است. اگنی به واسطه ی کار اصلی اش یعنی حضور موثر در مراسم قربانی در ودا تجلیل می شود^(۳). او با نیروی نهانی خود مراسم دعا و قربانی را به طور شایسته ای ارتقا می بخشد و با تسلط به همه

-
- ۱- در آرامگاه کوروش هر ماه اسبی را قربانی می کردند. کمبوجیه بانی این کاو بود و نام مجوم اسکندر این کار ادامه داشت. بیش از دو سده این کار به وسیله ی خانواده ای معین از موبدان انجام می شد. بویس، ۱۳۷۴. ص ۱۶۸
 - ۲- در ریگ ودا می گویند آنان که اسب قربانی می کنند کاری که ثواب فراوان دارد. نزدیک خورشید خانه خواهند داشت. جایی که به سبب نزدیکی به خورشید همیشه روشن است و بهترین پادشاه است.
 - ۳- ای اگنی، ای احضارکننده و خواننده ی خدایان، ای انجام دهنده ی مراسم مقدس، ما با نظور و هبزم از تو التماس داریم (ماندلای هشتم سرود ۱۲-۲۳) ای اگنی، خدایان تو را به این سمت شناخته اند تو واسطه رسانیدن قربانی ها هستی که ما برای خدایان می کنیم (ماندلای هشتم سرود ۴-۱۱)

دعاها و شناخت دقیق قربانی، او خطاهایی را که انسان‌ها به واسطه‌ی عدم آگاهی در آیین‌های قربانی نزد خدایان انجام می‌دهند، تصحیح می‌کند. می‌گویند خدایان، اگنی را در خانه‌های مردم جای داده‌اند و او را مامور مراسم قربانی کرده‌اند و به‌عنوان پاداش این‌کار به او جوانی بخشیده‌اند به‌این دلیل که او را از انبوه ایزدان دیگر متمایز می‌دانند. با این وجود، گفته می‌شود که اگنی از خدمت کردن خسته شده و از تکمیل اعمال قربانی و انجام مسوولیت‌های آن خودداری کرده است.^(۱) با گذشت زمان قربانی ودایی به‌گونه‌ای پیچیده‌تر و ماهرانه‌تر شد. اگنی قربانی را از این جهان به جهان دیگر منتقل می‌کند درحالی‌که سومه یک نوع قارچ شامل الکلوئید با به احتمال زیاد گیاهی شبیه به آدرنالین است، جنگجو را به درون قلمرو الاهی منتقل می‌کند و به هر جهت آیین‌های رسمی ودایی امروزه هنوز به‌وسیله‌ی بعضی خانواده‌های برهمن در کرالا اجرا می‌شود. القاب اگنی: در متن‌های گوناگون، القاب بسیاری به اگنی نسبت داده شده‌است. به واسطه‌ی حضور موثرش در مراسم قربانی و نزدیکی با خدایان و انسان‌ها به‌عنوان یک دین‌مرد نامیده می‌شود و قابل ستایش‌ترین هوتر^(۲) به‌شمار می‌رود. در عین حال اگنی یک شاعر - سخن‌دان و پیشگو خوانده می‌شود، برای او القاب خردمند - هوشمند - دانشمند و ریشی نیز به‌کار می‌رود. به‌واسطه‌ی تداوم گرما و نور لقب «فنانا‌پذیر» بیشتر از هر خدایی برای اگنی به‌کار می‌رود و به‌علت ارتباط نزدیک و صمیمانه‌اش با انسان‌ها القاب: سرور خاندان «vispati» و «سرور خانه» در مورد او به‌کار می‌رود. به‌علاوه بر پایه‌ی این تصور که انسان از راه ماتریشون^(۳) به آتش به‌عنوان هدیه‌ی خدایان دست‌یابی پیدا می‌کند اگنی لقب «مهمان انسان‌ها» را دریافت می‌کند. اگنی تنها خدایی است که لقب «بیدار در سپیده‌دم» را داراست گرچه خدایان دیگر گاهی به‌صورت دسته جمعی این لقب را دریافت می‌کنند. او به تنهایی لقب جاتوداس را داراست که ۱۲۰ بار در ریگ‌ودا آمده و به معنای «کسی که نسل‌ها را می‌شناسد» است. اگنی هم‌چنین لقب «از بین برنده ورتوه» را دریافت می‌کند که این ویژگی جنگی مناسب ابتدره در شکل رعد و برق است و اگنی با او در ارتباط است. ورونه با میترا یا به تنهایی یک پادشاه جهانی، نامیده می‌شود. این لقب

۱- چند سرود اخیر در ریگ‌ودا از پرواز اگنی به سبب بی‌علاقگی به انجام مراسم قربانی می‌گویند.

۲- روحانی که در مراسم قربانی سرودهای ریگ‌ودا را می‌خواند.

۳- گفته می‌شود اگنی به‌وسیله‌ی ماتریشون از آسمان آورده شده. در این متن‌ها بی‌شک اگنی صرف برق/آذرخش است زیرا برق این‌گونه در نظر گرفته می‌شود که هم از آب‌ها و هم از آسمان می‌آید.

چندین بار برای اگنی نیز به کار رفته است. ورونه یا آدیتیه گاهی محافظان نظم خوانده شده‌اند و این اصطلاح برای اگنی و سومه نیز به کار رفته است. نام‌های دیگر اگنی برهسپتی - ناراشمسا - وایشونر - تنوپات هستند.

برهسپتی: گاهی با اگنی نام برده می‌شود. سه جای سکونت دارد و پسر قدرت نامیده می‌شود و با ناراشمسا و ماتریشون و انگیرس در ارتباط است. او کره‌ها را شکافته و گاوها را رانده و توزیع می‌کند. هنگام پیروزی بر گاوها او نور - طلوع اگنی را می‌یابد. بدیهی است نام برهسپتی به وسیله شاعران ریگودا تثبیت شده است که از واژه bṛh در برهمن ریشه گرفته و معادل برهمن پتی بوده است که معنای آن سرور دعا یا وفاداری و صمیمیت است. شباهت بسیار به اگنی موجب این نظریه می‌شود که برهسپتی همان اگنی در تجلی دین مردی آن است. الدنیرگ بر این باور است که برهسپتی دین مرد نمونه‌ای است که در کارهای شاخص خدایان با سرودها و دعاهایش یاری می‌رساند. اما به سختی می‌توان تلاش‌های هیل براندت را برای اثبات این که برهسپتی ماد است، پذیرفت. به‌ویژه به عنوان یک خدای سحرآمیز و این که نماد آتش سحرآمیز جنوبی باشد. هویت برهسپتی با اگنی با گتردگی شخصیت اگنی در پرده‌ای از ابهام قرار گرفته است.

وایشونر: برخلاف برهسپتی، وایشونر به واسطه‌ی نام بردن مداوم اگنی زیر این عنوان در ریگودا به‌طور کامل مشخص است. این نام به معنای: مربوط به همه‌ی مردم، است و به اگنی در همه‌ی ابعادش، آسمانی و زمینی اشاره دارد. در برهمن، وایشونر اشاره‌ی مستقیمی به خورشید دارد به طوری که گفته می‌شود اگنی وایشونر خود معادل یک سال است و کیک‌هایی که در دوازده فتنجان قرار دارند، به او پیشکش می‌شوند.

ناراشمسا: این لقب در نیگه‌رتوکا به عنوان وجه تسمیه اشتعال به اگنی داده شده است و به معنای «شیرمرد» یا «ستایش شده به وسیله‌ی مردان» است. اگنی در زمان تولد به این لقب نامیده می‌شود. سرودهای آپری که دعوت‌نامه‌های آیینی برای مراسم قربانی هستند و در آن از آتش با نام‌های گوناگون خواستار یاری می‌شود، بیش تر خطاب به تنوپات و موارد بسیار کمی خطاب به ناراشمسا هستند. تعدادی از خانواده‌ها تلاش کردند که هر دو را در سرودها بگنجانند از جمله خانواده مدهاتپتی کانو^(۱) و دریکه‌تمس اکتیه^(۲). در بلند مدت سنت خانواده جاماداگنی^(۳) پدیدار شد و نیایش تنوپات پذیرفته شد اما خانواده وسیخته به نیایش ناراشمسا وفادار ماندند.

۱- یکی از رشی‌های مشهور دوره‌ی ودایی

۲- یکی از رشی‌های دوره‌ی ودایی

۳- نام یک رشی معروف از اخلاف بهرگ

ناراشمسا سه بار در روز به قرباتی، غسل می‌باشد و سه آسمان و خدایان را تدهین می‌کند. گفته می‌شود سرمه میان نارشمسا آسمانی و زمینی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر میان اگنی آسمانی و زمینی قرار می‌گیرد. معادل اوستایی آن، نیریوسننه است.

تنویات: تنویات حتا مبهم‌تر از نارشمسا است. نامش به معنای پسر خودشه است که اشاره به این حقیقت است که اگنی، اگنی را تولید می‌کند یعنی آتش پسر خودش است. هیل براندت یک بار او را به عنوان اگنی و محافظ سومه و به عنوان آتش قمری یا اگنی سومه گوپا منظور می‌دارد. لقب تنویات را برگیگنه ب معنی پسر جسمانی پدر الهی می‌داند درحالی‌که او را با ماتریشون مقایسه کرده که گفته می‌شود چنین الهی است. خانواده‌های روحانی اتھرون^(۱) - بهرگوس^(۲) - انگیراسس^(۳) به اگنی مربوط می‌شوند. این خانواده‌ها بعدها به خانواده‌های دیگری می‌پیوندند که همگی آنان در اصل و منشا باهم صمیمی و نزدیک هستند بیش از آن‌که نسبت به اگنی باشند. سپیده‌دهان تنویات گلگون، اگنی را می‌بوسد. آذر ایرانی برخلاف اگنی هندی صاحب انبوهی از القاب و صفات اغراق‌آمیز نیست.

تولد اگنی: در مورد جایگاه و کیفیت تولد اگنی گفته‌های گوناگونی وجود دارد اما این گفته‌ها متناقض نیستند زیرا به جایگاه‌های بنیادی گوناگونی اشاره می‌کنند. سه تولد برای اگنی جشن می‌گیرند، در دریا - آسمان و آب‌ها (ابرها)^(۴). شاعر می‌گوید: چه کسی در میان شما خدای پنهان را درک کرده است؟ گوساله خود مادرانش را زاییده است. در ریگ‌ودا آمده است خورشید به هنگام تولد اگنی در آسمان نمایان شد. تولد اگنی با بالا آمدن خورشید یکی دانسته شده و هنگامی که انسان‌ها اگنی را در روی زمین روشن می‌کنند موجودات آسمانی نیز او را می‌افروزند و اگنی با پرتوهای خورشید ترکیب می‌شود. افروختن اگنی و طلوع خورشید در ریگ‌ودا دو کار هم‌زمان به‌شمار می‌روند. در متنی گفته می‌شود اگنی ده مادر دارد که همان ده خواهر اویند. اما در متن دیگری از ده انگشت نام برده می‌شود که دست‌های انسانی هستند که در اثر اصطکاک دو تکه چوب یا در اثر افروختن آتش به او تولد می‌بخشند^(۵). در واقع دو تکه چوب والدین اگنی

۱- موبد نگهبان آتش ۲- یک رشی فدیمی ۳- نام یک رشی

۲- ما با ستایش تو را می‌پرسیم، ای اگنی که در آسمان و آب‌ها تولد یافتی و در اثر نیرو هدیدار گشته‌ای (ماندلای ۸ سرود ۲۸-۲۳) اگنی نورانی که دورترین ناحیه جو، به دنیا آمده باشد که او را از دشمنان بگذارند.

۵- شکل اساطیری چوب‌ها به عنوان pururavas و urci توصیف شده‌اند که یک زوج عاشق هستند.

به‌شمار می‌روند. چوب بالایی (پدر) و چوب پایینی (مادر) یا این‌که هر دو مادرهای او هستند زیرا گفته می‌شود او دو مادر دارد. این دو تکه چوب، اگنی را بسن نوزادی تولید کرده‌اند. او به محض تولد و زایشش را می‌خورد. هم‌چنین در جایی دیگر گفته می‌شود ده خدمت‌کار، او را به‌وجود آورده‌اند که کنایه از نگشتن دست‌هایی است که در چرخش متهی آتش به‌کار می‌روند. متهی آتش و سینه‌ای برای روشن کردن آتش معبد به‌وسیله‌ی اصطکاک است که به‌عنوان نماد اگنی و تولد سحرآمیز روزانه‌ی او اکنون نیز در معابد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از تولد اگنی در جنگل در اثر اصطکاک تنه یا شاخه‌های درختان نیز صحبت می‌شود. هم‌چنین گفته می‌شود او به‌عنوان نطفه در گیاهان وارد شده یا در گیاهان رشد کرده و تکثیر شد. اگنی پسر قدرت، نامیده می‌شود چون گفته می‌شود مردان روی زمین با توان و نیرو و ایجاد اصطکاک بسیار اگنی را تولید کردند. تولد دیگری که برای اگنی گفته می‌شود تنیه به‌خدای نگهبان توتنی هیمدال^(۱) است. او پسر دریاست و نه مادر دارد که دختران ساکن دریا نامیده می‌شوند. او سوار بر اسب با زره نقره‌ای و کلاهخودی آراسته به شاخ‌های قوچ، دیوهایی را می‌نگرند که در صدد حمله به قلمه‌ی خدایان می‌باشند. هیمدال، محبوب خدایان و انسان‌هاست. او در کودکی به زمین آمد و در میان مردم بزرگ و به‌عنوان بزرگ خانواده معروف شد و سرانجام ریسی یک قبیله شد و افراد بشر از نسل سه پسر او به‌نام‌های ترا - چورال و جارال به‌وجود آمدند. در دیدگاه شاعران و ادیبی، پدر اگنی دئوس است و گفته می‌شود از شکم اسوره متولد شده است و... او گاهی فرزند آسمان و زمین یعنی دئوس و پرتیوری نامیده می‌شود. هم‌چنین از نژاد توشتر^(۲) و آب‌ها به‌شمار می‌رود. به‌علاوه از اگنی به‌عنوان پسر ایلا^(۳) نام برده می‌شود و گفته می‌شود خدایان او را به‌عنوان نوری برای آریایی‌ها یا برای کل انسان‌ها به‌وجود آورده‌اند. در مه‌بهاراتا، بخشی از یک افسانه‌ی کهن وجود دارد که تولد کرنا پسر ملکه پریتها و خدای خورشید است. تولد کودک مخفی شده و او در فضای نامحدود رشد کرده‌است. او چنین آب‌هاست. در آب‌ها برافروخته شده و رشد کرده و به اندازه‌ی اقیانوس

۱- دونا از پادشاهان توتنی برکتر berehter و manus است.

۲- خالق موجودات زنده. نام خدایی که سازنده‌افزار الاهی به‌ویژه سازنده ساعقه اندرا است.

۳- Inا الهه دعا و نماز ۱۳... ای اگنی ما همان‌گونه که به‌پرگو، و دمانو،ها و انگرس‌ها تو را پرستش می‌کردند، تو را عبادت می‌کنیم. (ماندلای هشتم سرود ۱۳-۲۳)

وسعت می‌یابد. گفته می‌شود از جزیره ابر به‌سوی تندر درخشان ساکن در فضای روشن فرود آمده‌است. شاعر می‌گوید: اگنی در ابتدا در آسمان به‌دنیا آمد، بار دوم از ما (انسان‌ها)، و بار سوم از آب‌ها. او در خانه‌اش متولد شد در پایگاه آسمان بزرگ، در رجم این جو. انسان‌های فانی، اگنی را به‌صورت سه شعله افروختند. یکی برای استفاده‌ی خود قرار داده و دو تای دیگر به جهان دیگر رفتند. یک متن سوتر اگنی زمینی را در حیرانات، اگنی آبی را در آب‌ها و اگنی آسمانی را در آسمان تمیز می‌دهد. گاهی اگنی زمینی سوم می‌آید. به‌ریگوس خانواده‌ای روحانی بودند که از بریگو پادشاه آمده بودند. آن‌ها آتش نداشتند و در جست‌وجوی آن بودند. منو نخستین آن‌ها بود. ماتریشون اگنی را نزد به‌ریگوس هدیه آورد. هدیه‌ای گران‌بها - مشهور و موفق بسان پیام‌آوری با تولد دوگانه که به‌ریگوس او را در میان آب‌ها ستایش می‌کند. پس از استقرار یافتن اگنی در میان قبایل آییو مردم او را در میان قبایل بشری اسکان دادند.

تجلی‌های گوناگون اگنی: تجلی‌های گوناگونی برای اگنی گفته شده و به حیرانات مختلفی تشبیه شده‌است. او شبیه به یک پرنده ایزدی ظاهر می‌شود که عقاب آسمانی است و با بال‌هایش به‌سرعت پرواز کرده و به‌سوی خدایان می‌رود. او بسان گاو نر قوی به‌چشم می‌خورد که می‌غرد و به درختان جنگل حمله می‌کند و پرنده‌گان را به‌وحشت می‌اندازد. در چند متن گفته شده که هنگام تولد، گوساله‌ای بوده که در آب‌ها رشد کرده و بزرگ شده‌است. یک‌بار اگنی به‌مار خشمگین توصیف شده‌است. او هم‌چنین مانند اسبی ظاهر می‌شود که شیبه‌کشان بر خطرات غلبه کرده و در عین حال از خطر می‌گریزد و دمش همان شعله‌ی او است که در حال حرکت تکان می‌خورد و رد پایش نیز در جنگل خطوط سیاه‌رنگ بر جای می‌گذارد. گاهی او به یک تیرانداز تشبیه شده که شعله‌اش را مانند تیغ آهنی تیز می‌کند و در جای دیگر او بسان یک سلمانی که ریش را می‌زند به جنگل هجوم برده و موهای زمین را که همان علف‌ها می‌باشند، می‌چیند. اگنی گاهی به ارابه‌ای تشبیه شده که در جنگ، استوار است و هم‌چنین اغنیا را می‌آورد. او گاه ارابه‌ای است که او را هدایت می‌کنند. ارابه‌ای که دو یا چند اسب پشت کرده‌ای زیبا و گلگون آن را می‌رانند. او در ارابه‌ی آذرخش که درخشان و زیباست متولد شده و گاه با خدایان در یک ارابه می‌نشیند. اگنی به‌عنوان آتش ارتباط نزدیکی با طلا دارد. در توده آتش در محراب یک بشقاب طلایی قرار دارد که تصویر خورشید است. طلا بذر اگنی است و در توده آتش محراب/قربانگاه تصویر طلایی یک مرد است که به‌نظر می‌رسد نشان‌دهنده‌ی اگنی باشد^(۱).

۱- مطالعه‌ی ردا در مکانی که نه آتش باشد نه طلا ممنوع است.

تجسم انسانی اعضای اگنی: او چهار چشم کرده‌ای دارد. نگاه او به قدری دقیق است که در شب هم به خوبی روز توان دید دارد. در جایی گفته می‌شود هزار شاخ و هزار چشم دارد که در همه‌ی جهت‌ها می‌نگرد. او آرواره‌های تیز سوزاننده با دندان‌های طلایی و درخشنده و گاه آهنی دارد. در یک جا او بدون پا و سر توصیف شده و در جایی دیگر گفته می‌شود سر سوزاننده یا سه سر و هفت پرتو دارد. زبان زیبایی دارد گاه سه و گاه هفت زبان مانند زبان خدایان برای او بیان شده که هر یک نامی دارد و با آن خدایان، قربانی را می‌خورند. او با زبان تبر مانندش همه چیز را می‌خورد و کره‌ی قربانی را می‌لیسد و با شعله‌های قاشق گزنه‌اش خدایان را تجلیل می‌کند. اگنی سه بار در روز غذا می‌خورد، غذایش چوب یا روغن است و نوشیدنی او کره‌ی ذوب شده است. به هنگام غذا خوردن، پشت و رویش کره‌ای می‌شود.

جایگاه اگنی: وجود زمین اگنی در ناف زمین، جای گرفته است. این اصطلاح در مراسم آیینی ودایی اشاره دارد به قربانی اگنی در محراب توخالی و گودالی در اوتراوداکه در آن اگنی جای داد. البته اشاره به دهاژ اگنی نیز دارد که قربانی‌ها را در آن قرار می‌دهند. استفاده پیش‌تر این اصطلاح به احتمال بسیار اشاره می‌کند به این‌که خدایان، اگنی را کانون یا ناف فناناپذیری ساختند. دو رویداد ریگ‌ودا منسوب به ودیشد^(۱) (نشسته در میان) به اگنی اشاره دارد. گفته می‌شود اگنی از دهنو یا جزیره‌ی ابر به سوی تندر درخشان ساکن در فضای روشن فرود آمده‌است. بعضی سرودهای ریگ‌ودا افسانه اگنی پنهان در آب‌ها و گیاهان را می‌گویند که به وسیله‌ی خدایان یافته می‌شد^(۲). در انهره ودا، اگنی در آب‌ها تمیز داده می‌شود و در یک متن ریگ‌ودا اگنی در نهرها استراحت می‌کند و در متن بعدی اگنی در آب‌های جاری و حوض‌ها مجسم می‌شود. الدنبرگ بر این باور است که در این رابطه، آب‌های زمینی مورد نظر است و این‌که پرتوهای گفته شده در نخستین سرود کتاب سوم مورد نظر باشد، تردید دارد. به‌رحال تصور اگنی در آب‌ها در طول وداها همیشگی است. آب، خانه‌ی اگنی است همان‌گونه که آسمان، خانه‌ی خورشید است. گاهی آب‌ها یا گیاهان یا جنگل به‌عنوان مسکن او گفته می‌شوند ولی هم‌چنین پیش‌تر از ریشه‌ی اگنی در آسمان صحبت می‌شود. ترتیب سکونت اگنی آسمان - زمین و آب‌هاست.

تضاد در شخصیت اگنی: نقش تضادگونه آتش در تصور انسان ودایی به گونه‌ای است که

۱-... اگنی در ناف زمین منزل دارد، ای اگنی شاهوار که می‌درخشی و در جای پای‌های ایلاوه تولد یافته‌ای - ستایش

را در این‌جا چون -پروهیتا- به خدایان تقدیم نما. (ماندلای دهم - سرود ۱/۶)

۲- بردن او در میان آب‌ها و گیاهان یک افسانه‌ی معمولی در دوره‌ی برهمناست.

هم‌زمان، هم درد آور و هم تطهیر کننده می‌باشد. آتش، درونی‌ترین و عالم‌گیرترین عنصر به‌شمار می‌رود و شفا بخش است گاهی هم به انسان بینایی می‌بخشد و نیز می‌تواند بینایی را از انسان بگیرد. هم‌چنین آگنی پیرترین و جوان‌ترین قربانی کننده به‌شمار می‌رود. تولدهای تازه‌ی او در برابر تولدهای پیشینش قرار دارد. پس از پیروی، دوباره جوان شده و حس‌هایش هیچ‌گاه پیر نمی‌شوند. در عین پیروی او جوان خطاب می‌شود ولی پیرتر از او قربانی کننده‌ی دیگری وجود ندارد زیرا او نخستین قربانی را هدایت کرد. او پس از سینه‌مان پیشین درخشید و قربانی‌های اجزای را اجرا کرد. او گاهی در یک متن، هم باستانی و هم بسیار جوان نامیده شده‌است. آگنی با ظاهری گلگون دو چهره دارد، یکی نیکوکار و یکی بدطیبت. در هنر هندو، آگنی دارای دو چهره به رنگ قرمز (گاهی پوشیده، با کلاه) جلوه می‌کند و هر دو ویژگی‌های ویران‌گرانه و نیکوکارانه‌ی خود را بروز می‌دهد.

ویژگی‌های آگنی: آگنی پادشاهی است که همه موجودات را به سرافرازی هدایت می‌کند. او پیش‌تر از هر خدای دیگری با زندگی انسان در ارتباط است، ارتباطی نزدیک و صمیمانه^(۱). او برای انسان همانند دوستی است که مهمان شده و او را سرگرم می‌کند. حضور همیشگی‌اش در خانه‌ها موجب تداوم گرمی و روشنایی و در نتیجه حفظ کانون خانواده می‌باشد. او دوست و حامی و خدمتکار و سرور مردم است. او صمیمانی است که به علت سکونتش در خانه‌ها نزدیک‌ترین دوست و خویشاوند انسان نامیده شده و حتا گاهی پدربزرگ و مادر عبادت کنندگانش توصیف می‌شود. البته این مربوط به زمانی است که آگنی آتش خانگی بود و رابطه‌ی عبادی‌اش نزدیک‌تر از خدای دیگری بود. او ولی نعمت عبادت‌گزارانش بوده و آن‌ها را از آفات و بدبختی‌ها حفظ می‌کند یا این‌که آن‌ها را در امتداد آفات قرار می‌دهد، همان‌گونه که یک کشتی بر روی دریا حرکت می‌کند، او عبادت‌کننده را حمایت می‌کند تا در اثر تلاش عرق کرده، سوخت او را بیاورد سپس با هزار چشم، مردی را که برایش غذا می‌آورد نگریسته و او را با نذورات تغذیه می‌کند. او دشمنان عبادت‌کنندگانش را مانند بونه‌های خشک از میان می‌برد، همان‌گونه که درختی به‌وسیله‌ی رعد و برق نابود می‌شود. دوستی اجزای آگنی با عبادت‌کنندگانش پیش‌از هر خدای دیگری است. او خدایی است که نیاکشتی او را آفریند و دعا کردند، بنابراین به آگنی به‌عنوان یک بهاراتا، و دهر باشوه، دواواته، دیوانسه و تراسداسیو اشاره می‌شود. گاهی اسامی

۱- ستایش‌گران با صمیمیت بسیار او را خطاب می‌کنند: اگر من تو بودم و تو من بودی آرزوهای تو برآورده

اجدادی که همراه با اگنی می‌آیند از خانواده‌هایی به‌شمار می‌روند که سرابندگان ریگ‌ودا به آن تعلق دارند. بعضی از آن‌ها مانند وسپت‌ها^(۱) به‌نظر می‌رسد که دارای اصل و ریشه‌ی تاریخی هستند، درحالی‌که دیگران از جمله انگیرس^(۲) و بهرگو^(۳) استوره‌ای می‌باشند. در یک سرود آیینی در ریگ‌ودا منسوب به وسپت‌ها، ایندیره و خدایان دیگر برای از میان بردن کراویادس، گوشت‌خوارها، یا رکشس‌ها^(۴) دشمن خدایان، فراخوانده می‌شوند. اگنی هم‌چنین خود یک کرویاد است و در این وضعیت، شخصیت به‌طور کامل متفاوتی به خود می‌گیرد. او با شکلی متفاوت مانند موجوداتی که برای خوردن احضار می‌کند نشان داده می‌شود و به‌صورت تیغ‌هایی که همان شعله‌هایش هستند به رکشس‌ها حمله‌ور می‌شوند. او دشمن نیرومندی است که دشمنان انسان یعنی دیوهای سرما و تاریکی را از میان برده و مانند یک ایزد مقتدر می‌باشد. بزرگی او به آسمان قدرت‌مند نیز برتری دارد، او از آسمان و زمین و از همه‌ی خدایان بزرگ‌تر است. همه خدایان از او می‌ترسند و به او تعظیم می‌کنند هنگامی‌که در تاریکی ساکن می‌شود. او به‌وسیله‌ی میترا و ورونه و ماروت‌ها و همه‌ی خدایان تجلیل و تکریم می‌شود. اگنی همه‌ی کارهای بزرگ کهن را اجرا می‌کند و انسان‌ها در برابر کارهای نیرومند او می‌لرزند. او در جنگ برای خدایان فضای لازم را فراهم کرده و آن‌ها را از نفرین دور کرد. ادیسیر دشمن خدایان را از خانه دور می‌کند و نور وسیعی برای آریا به‌وجود می‌آورد. او ارتقا دهنده آریا و مغلوب‌کننده پانیس بی‌مذهب می‌باشد. اگنی همه آیین‌ها و نسل‌های الهی را می‌شناسد. او همه موجودات را می‌بیند و همه دعاهایی را که خطاب به او هستند، می‌شنود. او ایجادکننده خرد است و دعاها و خردها از او ریشه می‌گیرند. او الهام‌دهنده و مخترع دعا و کلام درخشان است. او بخشنده‌ی دارایی و ثروت و گنج است و بر همه‌ی اغنیا و آسمان و زمین فرمان می‌راند. او باران را از آسمان آورده و مانند آبشخوری در بیابان است و به‌طور مداوم موجب دوری فقر و دشمنان و دیوان

۱- نام رشی ممروشی که صاحب گاو فراوانی بود و انسانه مبارزه او با شرابتر که از طبقه کشتی (فرمانروا)

برخاست و به طبقه برهمن پیوست مشهور است. ۲- نام یک رشی

۳- نام یک رشی فدیمی و خانواده او

۴- ای اگنی، با درخشش بناب، بدخواهان را هلاک ساز و دشمنان ما را (دور کن) و در همه جا درکشس‌ها را از میان بردار. (ماندلا ۸، سرود ۲۶/۲۳) ای اگنی، ما را از رکشس‌ها حفظ فرما و از شر ناخوش محفوظ بدار، ما را از آن‌که حمله می‌آورد و از آن‌که ما را می‌کشد نگاهدار، ای گسترده نور و ای قادر جوان (ماندلا ۱، سرود ۱۵/۳۶)

می‌باشد. هدایای او رفا، زاد و ولد و نیک‌بخشی خانواده است در حالی که ایندره بیش‌تر قدرت - پیروزی و افتخار می‌بخشد. اگنی بخشنده گناه ناشی از حماقت و بی‌خردی است و در برابر خدا، گناه‌کار را بی‌گناه جلوه می‌دهد و خشم و رونه را دفع می‌کند. او حتا پدر و مادر انسان را از گناه مرتکب شده رها می‌کند. اگنی مظهر اصل باروری در طبیعت است. او جرعه حیات‌بخشی بود که موجب رشد همه گیاهان و پرتوهای گرمی‌بخش تابان خورشید و آتش‌دان خانگی می‌شد. او جوانه را در گیاهان و همه موجودات زنده قرار داده و زاد و ولد را در زمین و زنان نهاد. گفته می‌شود او در کودکان، انسان‌ها را به وجود آورد اما نمی‌توان گفت اگنی پدر انسان است زیرا در ادامه، این تصور وجود دارد که او آسمان و زمین را آفرید. اگرچه اگنی پسر آسمان و زمین است، مرکز به‌وجود آورنده دو جهان نامیده نمی‌شود این تنها یک تصور است. آتش او که از میان نرفتنی است، در آسمان و زمین دنبال می‌شود. او آسمان و زمین را مانند دو لایه پوست گسترش داده و گنبد آسمان را با شعله‌اش محافظت کرد. او در بالای جهان در راس زمین، گاه در آسمان ایستاده و موجب بالارفتن خورشید از آسمان شد. شاعر می‌گوید: بگذار اگنی را روشن کنیم تا نشان شکفت‌انگیز تو (خورشید) در آسمان بدرخشد. ضمن مطالعه بخش‌های گوناگون درباره‌ی اگنی با یک تلیث بر می‌خوریم که بیش‌تر موارد نمود می‌یابد و شاید بتوان آن را با سه سطح عالم ودایی^(۱) مترادف دانست. از جمله این‌که گفته می‌شود او سه سر، سه بدن و سه زبان دارد و سه میلاد برایش جشن گرفته می‌شود. در سه مکان اگنی ظاهر می‌شود: آتش خورشید، آذرخش و آتش‌دان و دارای سه جایگاه و سه سکونت است. اگنی پدر سه پسر و کوچک‌ترین برادر از سه برادر است. او سه بار در روز غذا می‌خورد و سه بار به دور قربانی می‌گردد و خدایان، سه بار در روز او را تجلیل می‌کنند. آتش قربانی به سه آتش تقسیم می‌شود که در آیین ودایی جدا از آتش خانگی نگه‌داری می‌شوند. به افرادی که اگنی را پرستش می‌کنند سه بار در روز ثروت عطا می‌شود^(۲). او نور سه گانه است.

بدیهی است اندیشه‌های متعالی مربوط به این ایزد در نتیجه تأمل موبدان درباره‌ی نقش آیینی آتش در مراسم گوناگون و همچنین رابطه‌ی آتش و خورشید آسمان‌هاست. زیرا آتش را نماینده مستقیم خورشید در روی زمین می‌دانستند و طلوع و غروب خورشید را اساس نظم

۱- در آسمان - زمین - فضا

۲- ای اگنی برای مردی (فنانایدبری) که تو را ستایش می‌کند روزی سه بار در روز ثروت به وسیله‌ی نو ابراز

می‌شود (ماندلا ۷، سرود ۱۱)

متصور بود که طبیعی است آتش را با نیروهای کیهانی مرتبط بدانند. آتشی که در آشدان «پاوی» و یا در «ودی» می‌سوزد، نماد آتش بزرگ‌تر یعنی خورشید است که برآمدن و فرونشستن آن به آشه بستگی دارد. آتش، هفتمین آفرینش است که در دیگر آفرینش‌ها جاری و ساری است زیرا آشه مظهر اصل نظم و ترتیبی که گیتی را می‌چرخاند، قرار دارد. پیوند آتش با آشه در گات‌ها^(۱) آشکار است. در اوستای متاخر نیز آتش، فرزند اهورامزدا خطاب می‌شود. آب و آتش دو عنصری هستند که همواره در زندگی انسان‌ها نقش حیاتی داشته و از این رو به نظر می‌آید زنده و جاندارند و به گونه‌ای آنان را دارای هویت می‌دانند. هندوایرانیان در روزگاران کهن آتش اجاق‌ها را گرمی می‌داشتند حتی پس از تاسیس آتشکده‌ها هم چنان به این کار ادامه دادند، زیرا آتش اجاق علاوه بر هویت خود نماد اثری نیز بود^(۲). هنگامی که برای آتش، جان قایل شدند و نامش را اگنی گذاشتند حضور همیشگی‌اش در زندگی انسان‌ها بیش‌تر نمود پیدا کرد. او در تولد، ازدواج، نیایش، پرستش، قربانی، جنگ، سوگند، وفاداری و تدفین در کنار انسان‌ها حضور فعال و موثری داشته است، به علاوه این‌که روشنایی و گرمی‌اش به خوبی و زیبایی همواره درک شده است.

سرچشمه:

- Berriedale Keith-Arthur. 1976-The religion and philosophy ofveda vol.31.India
 Bowker. John.2002-cambridge illustrated history religions, UK
 Dasgupta. Surendranath-1997-A history of Indian philosophy vol.,I. Delhi
 Dowson.John.2001-dictionary of Hindu Mythology and religion-London
 Elide.Mircea.1987-Encyclopdia of religion. Macmillan Company
 Macdonell,A.A.2000-Indian Vedic Mythology-New Delhi
 Machanz,Donald,2000-Indian Myth and legend-New Delhi
 Radhakrishnan,S.1998-Indian philosophy vol.I.Calcutta
 WWW.Hindu myth. Agni. Wikipedia. Free encyclopedia
 WWW.Hindu myth. Agni.htm. article by Stephen Naylor

۱. مری بویس، تاریخ کیش زردشت، برگردان: همایون صنعتی‌زاده، توس، تهران
۲. مهرداد بهار، پژوهشی در اساطیر ایران، آگام، تهران.
۳. سروپالی رادا کریشنان، تاریخ فلسفه شرق و غرب، خسرو جهاننداری، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
۴. سیدمحمد رضا جلانی نایینی، گزیده‌ی سرودهای ویگ و دا، تفره، تهران، ۱۳۷۲.
۵. داریوش شایگان، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند. جلد ۱ و ۲، امیرکبیر، تهران.
۶. دوشن کیمن، دین ایران باستان، برگردان: رویا منجم، بنیاد جانبازان، تهران.

۱- لقب آتش از آشه نیرو گرفته (aaro aar-aojah) می‌باشد. بسن ۲-۴/۴۳-۴/۳۲-۶/۲۷

۲- در میان برهمن‌های هند نیز آتش اجاق به هنگام مراسم مذهبی اهمیت و اولویت بسیاری داشت.